

جوزف هامفری آنِگر

فرم در موسیقی

با اشاراتی به فوگ‌های باخ و سونات‌های بتهوون

مریم تحویل‌داری



سرشناسه	: انگر، جوزف هامفری، ۱۸۶۲-۱۹۱۳ م.
عنوان و نام پدیدآور	: فرم در موسیقی: با اشاراتی به فوگ های باخ و سونات های بتهوون/جوزف هامفری انگر؛ مترجم: مریم تحویلدار؛ نت نگار: الهه نیاورانی.
مشخصات نشر	: تهران: چاو، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۴ ص:، جدول، پارتیسیون.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۵۴-۷۹-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
عنوان اصلی	: Form in music with special reference to the Bach fugue and the Beethoven sonata, c1900.
عنوان دیگر	: با اشاراتی به فوگ های باخ و سونات های بتهوون.
موضوع	: موسیقی -- فرم: فوگ (موسیقی): سونات
موضوع	: Sonata: Fugue: Musical form
شناسه افزوده	: تحویلدار، مریم، ۱۳۵۹ -، مترجم: نیاورانی، الهه
رده بندی کنگره	: MT۵۸
رده بندی دیویی	: ۷۸۱/۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۲۳۶۷۹۵



کتاب برتر



اشرار پنا

فرم در موسیقی

با اشاراتی به فوگ های باخ و سونات های بتهوون

جوزف هامفری انگر

مترجم: مریم تحویلدار

صفحه آرای و طرح جلد: سعید سعیدی

نت نگار: الهه نیاورانی

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۲

چاپ و صحافی: ناژو

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۵۴-۷۹-۹

نشانی: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری غربی، پلاک

۹۹، طبقه چهارم، واحد ۹ تلفن: ۸-۶۶۹۷۵۰۰۷ فکس: ۶۶۹۷۰۷۱۶

www.chav.ir info@chav.ir

Chavpub

فهرست

۷	مقدمه مترجم
۹	پیشگفتار
۱۱	فصل اول مقدمه
۱۵	فصل دوم جمله موسیقایی
۲۳	فصل سوم ادامه بحث جمله موسیقایی
۳۹	فصل چهارم مدلاسیون و روابط تنالیت‌ها
۴۳	فصل پنجم فرم‌های دو قسمتی (باینری) و سه قسمتی (ترنری)
۴۹	فصل ششم فرم سه قسمتی (ترنری) کامل
۵۳	فصل هفتم ویژگی‌های روندو در فرم
۵۷	فصل هشتم فرم سونات
۶۵	فصل نهم تغییرات فرم سونات
۶۹	فصل دهم فانتزی و ایر و واریاسیون
۷۳	فصل یازدهم فوگ
۸۱	فصل دوازدهم تجزیه و تحلیل فوگ
۸۷	فصل سیزدهم فرم‌های مدور
۹۱	فصل چهاردهم فرم‌های قدیمی و کمابیش منسوخ شده
۹۷	فصل پانزدهم فرم در موسیقی آوازی
۱۰۳	پیوست الف سونات‌های پتهوون (جدول فرم‌های استفاده شده در هر موومان)
۱۰۹	پیوست ب فوگ‌های باخ (جدول نمایش ترتیب لیدها در هر اکسپوزیسیون)
۱۱۳	پیوست ج تعاریف کلی
۱۲۷	پیوست د سرودها/آوازاها، هیمن‌ها و بالادها
۱۳۷	پیوست ه آزمون

فصل دوم

جمله موسیقایی^۱

اولین مرحله در آهنگسازی ابداع و خلق «ملودی»^۲ است. ملودی ممکن است به عنوان توالی اصوات موسیقایی که در کوک و زیروبمی متفاوت هستند و بر اساس قواعد ریتم تنظیم شده اند تعریف شود. زمانی که ملودی به خودی خود کامل ارائه می شود «جمله ملودیک»^۳ و زمانی که با هارمونی ترکیب می شود «جمله موسیقایی» نامیده می شود. جمله موسیقایی ممکن است ساختار متقارن یا غیرمتقارن داشته باشد.

سه نوع متداول از جمله موسیقایی متقارن عبارتند از:

- ۱- جمله ساده هشت میزانی که به آن «پریود»^۴ نیز گفته می شود.
 - ۲- جمله دو قسمتی (باینری) که از دو پریود تشکیل می شود.
 - ۳- جمله سه قسمتی (ترنری) که از سه پریود تشکیل می شود.
- در تمام موارد ذکر شده پریود قابل تقسیم به دو بخش چهارمیزانی است که به آنها عبارت یا فراز می گویند.

عبارت مهمترین راهنما در آهنگسازی به حساب می آید. بتهوون و سایر موسیقی دان های برجسته معمولاً جملات چهارمیزانی تصنیف

1. The Musical Sentence
4. Period

2. Melody
5. Pl

3 Melodic Sentence

می‌کردند که غالباً در متر ۴ و آهسته بودند اما برخی افراد به هنگام تجزیه و تحلیل این آثار این جملات را به شکل جمله ساده هشت میزانی با متر ۴ در نظر می‌گیرند. به همین جهت چهار میزان اول سونات شماره ۱۳ در می بمل ماژور اثر پتهوون که در متر ۴ نوشته شده است^۲ (از آنجایی که موومانی آهسته است احتمالاً اشتباه چاپی در کار بوده است) باید هشت میزان با متر ۴ در نظر گرفته شود. چند جمله بعدی آن نیز همین ساختار را دارند. بخش تریو از موومان سوم سونات شماره ۱۲ (مارش عزاء^۳) نیز از جملات چهارمیزانی تشکیل شده است.

از طرفی می‌توان نمونه‌ای از جمله سی و دو میزانی را در بخش اول از اسکرتزوی^۴ موومان سوم (آلگرو و یواچه^۵) از سونات شماره ۱۵ در ر ماژور ملاحظه کرد. در چنین موومان سریعی، تنها اجرای یک ضرب در هر میزان امکان‌پذیر است که از نظر تئوری صحیح نخواهد بود چرا که تمام نت‌ها با تأکید و آکسان^۶ اجرا خواهند شد. بنابراین هر میزان در حقیقت نصف میزان در نظر گرفته خواهد شد که نتیجه حاصل از آن جمله دو قسمتی ساده خواهد بود.

نوع دیگری از جمله موسیقایی، جمله دوازده میزانی است که از سه عبارت تشکیل شده و به عنوان جمله ساده سه قسمتی شناخته می‌شود.

با این حال جملاتی مانند موارد فوق، به ندرت توسط آهنگسازان بزرگ به کار گرفته می‌شوند و دانشجو می‌تواند مطمئن باشد که وقتی قاعده ساختار جمله ساده را درک کرده باشد در تجزیه و تحلیل جملاتی با ساختار متفاوت یا مشکلی نخواهد داشت و یا به مقدار کمی با مشکل مواجه خواهد شد.

گاهی عبارت به قسمت‌های مساوی تقسیم می‌شود که به هر یک از این قسمت‌ها نیم جمله (ملودی/ بخش)^۷ می‌گویند. نیم جمله‌ها نیز می‌توانند به قسمت‌های مساوی به

۱. سونات‌های پتهوون که در سراسر این کتاب به آن‌ها ارجاع داده شده است بر اساس نسخه زیرمن (Agnes Zimmerman Novello & co) هستند.

۲. از آنجا که سرعت این قطعه Andante است احتمال اشتباه چاپی وجود دارد و متر ۴ (C) صحیح به نظر می‌رسد.

3. Marcia Funèbre

4.

5. Allegro Vivace

6. Accent

7.

برخی به آن

نام «موتیف»^۱ تقسیم شوند اما این تقسیم بندی ها بی قاعده نیستند. موتیف معمولاً به اندازه یک میزان طول می کشد (کوتاه است) اما معمولاً با ضرب بدون آکسان شروع می شود و حتی گاهی از قسمت ضعیف ضرب آغاز می شود. یک قیاس جالب بین دو هنر شعر و موسیقی وجود دارد. میزان^۲ در موسیقی می تواند معادل پایه^۳ عروضی (رکن) در شعر باشد و این درحالی است که آنچه متر^۴ موسیقی را تعیین می کند ریتم^۵ است. در شعر پایه های عروضی با اسامی بلند آغاز (U-)، بلند آخر (U-)، دو کوتاه آخر (UU-)، دو کوتاه آغاز (UU-) و... وجود دارند که همه آنها می توانند به واسطه نت ها و کشش های موسیقی نمایش داده شوند، اگرچه که این موارد اهمیت چندانی برای آهنگساز ندارند و بنابراین نیازی نیست که دانشجویان به طور جدی به آنها بپردازند. از آنجا که درک کامل ساختار جمله موسیقایی اهمیت بسیاری دارد، بهتر است مراحل پیشرفت آن از موتیف که ابتدایی ترین مرحله است پیگیری شود.

اولین نکته مهم به زمان مربوط می شود. دو نوع تقسیم بندی برای زمان وجود دارد: دوتایی و سه تایی. در نوع دوتایی، دو ضرب وجود دارد؛ یکی آکسان دار و دیگری بدون آکسان. در نوع سه تایی سه ضرب وجود دارد؛ یکی آکسان دار و بقیه بدون آکسان. همین المان های دوتایی و سه تایی، اساس ریتم را شکل می دهند. همان گونه که ممکن است موتیف دو یا سه ضرب را شامل شود، ملودی/ نیم جمله نیز می تواند از دو موتیف تشکیل شود، همچنین عبارت از دو یا سه بخش/ ملودی/ نیم جمله و پریود (جمله ساده) از دو یا سه عبارت تشکیل می شوند. بنابراین اصطلاحات باینری و ترنری نه تنها در جمله موسیقایی بلکه در پریود، عبارت، نیم جمله و حتی موتیف نیز استفاده می شوند.

این بخش ها و زیرمجموعه های آنها در جمله موسیقایی تقارنی را ایجاد می کنند که به تمام موسیقی و ریتم آن نفوذ می کنند.

زمانی که جمله موسیقایی به عبارت هایی با طول مساوی تقسیم شود به آن «جمله متقارن» و در غیر این صورت به آن «جمله نامتقارن» گفته می شود.

1. Motif
4. Meter
7. Iambus

2. Measure/ Bar
5. Rhythm
8. Dactyl

3. Foot
6. Trochee
9. Anapest

جملات نامتقارن موسیقایی سبب می‌شوند تا موسیقی هنری تر جلوه کند. هدف آنها اجتناب از به‌کارگیری الگوهای ریتمیک تکراری است که به‌کرات در آثار آهنگسازان معمولی دیده می‌شوند.

در اینجا نمونه‌هایی از روش‌هایی که با استفاده از آنها می‌توان عدم تقارن و بی‌نظمی را در جمله موسیقایی وارد کرد، ملاحظه خواهید کرد:

۱- گسترش (افزایش/تطویل) یک عبارت

۲- تقلیل (کاستن) یک عبارت

۳- عبور عبارت‌ها از روی یکدیگر (همپوشانی)^۱

۴- اضافه کردن گدا^۲

در نتیجه گسترش عبارت‌های دو قسمتی و سه قسمتی، ریتم‌هایی که به ریتم‌های «پنج‌میزانی» یا «هفت‌میزانی» معروف هستند، شکل می‌گیرند. خود عبارت سه قسمتی گاهی «ریتم شش‌میزانی» نامیده می‌شود.

کاستن عبارت از اهمیت کمتری نسبت به گسترش عبارت برخوردار است. سرود انگلیکن^۳ نمونه خوبی از یک عبارت (جمله) تقلیل یافته است.

همپوشانی زمانی اتفاق می‌افتد که میزان آخر یک عبارت یا پریود به میزان اول عبارت یا پریود بعدی تبدیل شود.

اضافه کردن گدا یک روش ساده برای ایجاد عدم تقارن در جمله موسیقی به‌شمار می‌رود. کدا می‌تواند یک موتیف یا نیم‌جمله (ملودی) و یا عبارتی باشد که به انتهای یک جمله متقارن اضافه می‌شود.

به تسلسل و وصل‌های هارمونیک پایان هر بخش که در آن جمله موسیقی اعم از متقارن یا نامتقارن به وسیله آن تقسیم شود «کادانس» گفته می‌شود.

کادانس از دو آکورد تشکیل می‌شود که آکورد دوم معمولاً در قسمت مؤکد و آکسان‌دار میزان ظاهر می‌شود و اغلب طولانی‌تر از آکورد اول است.

کادانس‌ها در حالت طبیعی به سه گروه طبقه‌بندی می‌شوند:

1. Overlap

3. Anglican chant

کتاب فرم در موسیقی در پانزده فصل به بررسی برخی از فرم‌های سازی و آوازی موسیقی پرداخته و با توجه به اختصاص دادن فصل‌هایی به شیوه نگارش جملات موسیقی و روابط میان تنالیت‌ها و اشاره به ساختار آثاری نظیر سونات‌های بتهوون و فوگ‌های باخ که از مهم‌ترین آثار تاریخ موسیقی به‌شمار می‌روند، می‌تواند به‌عنوان منبع مفیدی برای فراگیری آهنگسازی و آنالیز آثار موسیقی، مورد استفاده قرار بگیرد.

هدف اصلی کتاب حاضر این است که مبحث ریتم و تکامل آن در قالب آهنگسازی به‌صورت کاربردی و در عین حال بسیار مختصر به دانشجوی موسیقی ارائه شود. بر این اساس مؤلف کتاب در پایان هر فصل تعدادی تمرین از ساده تا پیچیده در نظر گرفته است.

همچنین در این کتاب حداقل یک فصل به فرم‌های بی‌قاعده اختصاص داده شده که در آن جملات موسیقی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و نیز فوگ‌ها و آنالیز آنها در فصل‌هایی مجزا آورده شده‌اند و شرح مفصلی از این فرم در اختیار دانشجویان موسیقی قرار داده شده و نیز یک فصل در مورد فرم‌های قدیمی و کمابیش منسوخ شده و فصلی هم در مورد موسیقی آوازی به این کتاب افزوده شده است.



www.chav.ir
info@chav.ir
chavpub



9 789642 554768